

رویکرد اسلامی به مسئله امنیت از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

علیرضا دانشیار^۱

چکیده

پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که: رویکرد اسلامی به مسئله امنیت در جهان معاصر با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری (حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)) چیست؟ این پژوهش، از منظری توصیفی-تحلیلی، به بررسی و تحلیل محتوای دیدگاه‌ها و نظرات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) درباره‌ی امنیت پرداخته است. در این رویکرد، امنیت از نظر امری انسانی، از انسان و درون او نشئت گرفته و دارای بعدی معنوی است و دیگر وجوه مادی امنیت و آرامش از آن سرچشمه می‌گیرد. رویکردهای امنیتی در دنیای معاصر، از وجوه معنوی و اخلاقی امنیت غفلت نموده‌اند. عامل اصلی ایجاد ناامنی، خودخواهی و سرکشی انسان است که موجودیت انسان‌ها و در نتیجه، مسئولیت اخلاقی آنان را تحت تأثیر قرار داده و موجب جنگ و تجاوز شده و امنیت و آرامش را از بین برده است. در رویکرد آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)، بازگشت به مسیر فطرت (پذیرفتن رسالت دین در اجتماع و سیاست)، روی‌آوری به ایمان و معنویت دینی، شناسایی اسلام حقیقی و تمایز آن با اسلام‌های ادعایی مانند داعش، آگاهی از سیاست‌های منطقه‌ای و متضاد غربی، ارتباط، گفت‌وگو و احترام به فرهنگ‌های دیگر و...، از راهکارهای اعتقادی، فرهنگی و سیاسی برای رسیدن به امنیت و آرامش در جهان معاصر است.

واژگان کلیدی: رویکرد اسلامی، امنیت، مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، معنویت، جهان معاصر

۱. دانش‌آموخته‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، دکتری مطالعات انقلاب اسلامی، پژوهشگر همکار گروه اندیشه‌ی سیاسی و انقلاب اسلامی پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (ع).
www.iaia.ir

مقدمه

دست‌یابی به امنیت، یکی از کارویژه‌های اصلی در جهان امروز و به ویژه جوامع، ملت‌ها و دولت‌ها تبدیل شده است. بررسی مفهوم «امنیت»، یکی از پرچالش‌ترین تعاریف بین پژوهشگران بوده است، زیرا تعریف واحد و فراگیری از مفهوم امنیت وجود ندارد. مفهوم و تعریف امنیت در دوره‌ی معاصر و در سال‌های جنگ سرد و پس از آن، دست‌خوش تغییر و تحول شد و در سطوح تحلیل، دستور کارها و رویکردهای مختلفی به وجود آورد، ولی روشن است که زیرحوزه‌ی بررسی‌های امنیت، امروزه، متفاوت با دوران جنگ سرد به نظر می‌رسد. در دوره‌ی جنگ سرد، بررسی امنیت بین‌الملل اساساً حول بررسی راهبرد ابرقدرت‌ها دور می‌زد. (مارتین گریفیتس، ۱۳۸۸، ص ۱۰۱ - ۱۰۲)

در جهان امروز، می‌توان امنیت را در سطوح گوناگونی مطرح کرد و یکی از این سطوح، روابط بین‌الملل است. رویکرد امنیت در جهان امروز، «واقع‌گرایانه» است و در برابر رویکرد آرمان‌گرا مطرح می‌شود. رویکرد آرمان‌گرا بیش از حد بر توانایی نهادهای بین‌المللی برای پاسداری از امنیت کشورها تأکید می‌کرد. به طور کلی‌تر، زیرحوزه‌ی بررسی‌های امنیت تحت‌الشعاع مفروضات، واقع‌گرایان درباره‌ی شدت پلیدی، حرص قدرت و شوربختی مستتر در ذات بشر قرار داشت. این، عینکی فلسفی برای نگاه به روابط بین‌الملل، به طور کلی و دو موضوع امنیت و راهبرد، به طور خاص، بود. نتیجه‌ی فرعی اساسی حاصل از قبول فرض واقع‌گرایان، پذیرش جنگ به عنوان مصیبت مکرر بشر بود. سراسر دهه‌های ۱۹۵۰ م و ۱۹۶۰ م، که اغلب دوران زرین امنیت خوانده شده است، پژوهش‌ها حول محور تحلیل، تفسیر و تبیین بعد «راهبردی» رویارویی ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی بود. در آن زمان، «بازدارندگی هسته‌ای» به صورت مهم‌ترین مفهوم راهبردی در قاموس بررسی‌های امنیتی درآمده بود. (همان، ص ۱۰۲)

با توجه به ریشه‌های فکری بررسی‌های «امنیت»، جای شگفتی نبود که دانشمندان این حوزه، پس از جنگ سرد دچار سردگمی و تشتت مفهومی شدند: چه چیز باید به منزله‌ی الگوی امنیت بین‌الملل، جایگزین رویارویی غرب و شرق می‌شد؟ پایان نظام دوقطبی، فرصت مغتنمی در اختیار کسانی قرار داد که به صراحت خواستار دستور کار تازه‌ای برای بررسی‌های امنیت شده بودند؛ دستور کاری که کمتر حول مسائل مربوط به کاربرد زور (یعنی راهبرد) و بیشتر حول موضوعاتی مانند محیط زیست طبیعی، سطوح جمعیت و فقر جهانی دور بزند. توجه به این مسائل امنیتی تازه، بازتاب تلاش فراگیرتر برخی از پژوهشگران بود که از قبول دولت به عنوان موضوع بحث امنیت در روابط بین‌الملل ابا داشتند و هوادار توجه به امنیت «اجتماعی» یا «انسانی» بودند. در این دیدگاه، به جای پاسداری از حاکمیت سرزمینی دولت، باید پاسداری از



بهروزی بشر در اولویت تحلیل‌های پژوهشگرانه قرار می‌گرفت. (همان، ص ۱۰۳)

همواره، درک مفهوم امنیت، به غلبه‌ی رویکرد رئالیستی (واقع‌گرایی) در جامعه، سیاست و روابط بین‌الملل برمی‌گردد. نگاه به امنیت در دنیای امروز و به ویژه روابط بین‌الملل، ماهیتی مادی و سکولار داشته، همیشه نگاه به امنیت با عینک نظریاتی صورت می‌پذیرد که هیچ‌گونه پیوندی بین دین، اخلاق و معنویت برقرار نکرده است و آنها را برکنار از دخالت در امور جاری، روابط بین‌کشورها و... می‌داند. قوانین، قاعده‌ها و اخلاقیات وضع شده در زمینه‌های امنیت، ماهیتی کاملاً مادی و سودگرایانه دارد. برای ریشه‌یابی عوامل ایجادکننده‌ی امنیت و درمان قطعی و کاهش ناامنی‌های جهانی و بین‌المللی، چه باید کرد؟ به نظر می‌رسد غفلت از عوامل و ریشه‌های ناامنی، به واقع، به ماهیت متصلب و سخت اخلاق‌گریزی و دین‌گریزی در دیپلماسی و روابط بین‌الملل برمی‌گردد. در این زمینه، می‌توان به رویکردهای اسلامی در موضوع امنیت اشاره نمود که به جنبه‌های مادی امنیت در کنار توجه به جنبه‌های معنوی و اخلاقی آن اهمیت می‌دهد.

بنابر نکات پیش‌گفته، پرسش اصلی این پژوهش این است: رویکرد اسلامی به مسئله‌ی امنیت در جهان معاصر، با توجه به دیدگاه‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) چیست؟ فرضیه‌ی این پژوهش چنین شکل گرفته است: امنیتی که با مطالعه‌ی آثار اسلامی و به ویژه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به دست می‌آید، با توجه به رهیافت‌ها و مبانی ارزشی و به نهاد گذاشته‌شده‌ی درون انسان و از رهیافت ریشه‌یابی ناامنی در حوزه‌ی کردار و مقدم داشتن آن بر حوزه‌ی رفتار نشئت می‌گیرد و امنیت در ابتدا از ماهیت درونی و فردی آغاز می‌گردد و به اجتماع تسری پیدا می‌کند.

باید دانسته شود که در حوزه‌ی امنیت، میزان فکر و عمل چه قدر تأثیر داشته است و کدامیک بر دیگری تقدم دارد و آیا اساساً بدون در نظر گرفتن دیگری، می‌توان امنیت را تحلیل و بررسی کرد؟ امنیت در اندیشه‌ی سیاسی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، مطابق با پیش‌ارزش‌های اسلامی مورد ارزیابی و داوری قرار گرفته است. امنیت درباره‌ی قدرت سیاسی، به مثابه ارزش و هدفی فی‌نفسه تعریف نمی‌شود، بلکه ارزش‌های دیگری در تعریف و داوری درباره‌ی امنیت دخیل است. براساس این، امنیت در اندیشه‌ی سیاسی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، تأثیرات عمیقی در جامعه دارد و همزمان، بر پایه‌ی ارزش‌های اخلاقی دوگانه مورد داوری قرار می‌گیرد که ناظر بر دو بعد متعالی و مادی هستی انسانی است؛ از این رو، معیار تشخیص عوامل ایجاد امنیت و آرامش و نیز عوامل ایجادکننده‌ی ناامنی، بستگی زیادی به نوع نگاه به امنیت دارد. در این پژوهش، تلاش می‌شود رویکرد اسلامی به مسئله‌ی امنیت در جهان معاصر با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مورد بررسی قرار گیرد.

تعریف امنیت

در معنای لغوی امنیت، آنچه از دیدگاه‌های اهل لغت به دست می‌آید، امنیت به معنای آرامش، نترسیدن، وحشت نداشتن و اضطراب نداشتن است. (محمد معین، ۱۳۸۰، ص ۱۲۲؛ راغب اصفهانی، ص ۲۵) در معنای اصطلاحی، امنیت (security) می‌توان گفت: امنیت، حالت فراغت نسبی از تهدید، حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. امنیت، از ضروری‌ترین نیازهای جامعه است. (آشوری، ۱۳۸۷، ص ۳۸) امنیت در گفتمان سلبی، بر نبود خطر و تهدیدات استوار است، ولی در گفتمان ایجابی، به تأمین و تضمین آسایش و آسودگی نظر دارد. (منیژه نویدنیا، ۱۳۸۴، ص ۳۵-۳۹) امنیت نسبت به کاربرد، به امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی، امنیت منطقه‌ای، امنیت بین‌الملل و... تقسیم شده است. در این پژوهش، امنیت فردی - معنوی مورد نظر است که از دیدگاه اسلام، سرچشمه‌ی وجوه دیگر امنیت برشمرده می‌شود.

الف. نگاه و رویکرد اسلامی در تبیین «امنیت»

امنیت معنوی در اسلام، سرچشمه‌ی اصلی همه‌ی وجوه امنیت شناخته می‌شود. ماده‌ی ایمنی و امنیت، کاربرد نسبتاً فراوان در کتاب مقدس مسلمانان، قرآن، در مقایسه با مجموع آیات قرآنی دارد. قرآن، بالاترین نقش و کاربرد امنیت را متوجه امنیت روحی و معنوی انسان‌ها کرده است. (علی حمزه‌پور، ۱۳۹۰، ص ۶۱) تعامل ایمان و امنیت به خوبی در قرآن نمایان و بر این واقعیت پافشاری شده است که امنیت واقعی و سرچشمه‌ی اصلی آن، در امنیت معنوی و آن نیز ایمان به خداوند نهفته است. امنیت فردی - معنوی عبارت است از حالتی که فرد چه از نظر جسمی و چه روحی، در آن فارغ از ترس و آسیب دیدن جان، مال یا آبروی خود یا از دست دادن آنها زندگی کند. افزون بر جنبه‌های مادی حیات فردی و اجتماعی، امنیت فردی را باید در ایمان واقعی، آرامش روحانی، اطمینان و طمأنینه‌ی نفس و یاد خداوند متعال جست‌وجو کرد. (همان، ص ۶۵) می‌توان با رویکردی فلسفی به موضوع امنیت فردی نگریست و به لحاظ نظری، انسان و جایگاه وی را در نظام هستی بررسی نمود. در این رویکرد، امنیت انسان به معنای ثبات شخصی او نسبت به خودش، خدا و جهان، با توجه به پویایی اصیل اندیشه‌ی انسانی است و بی‌امنیتی انسان، به معنای فروپاشی شخصیت، جایگاه و هویت انسان نسبت به خدا، خودش و جهان و در نتیجه، بحران هویت وی در نظام هستی است. امنیت، نقطه‌ی آغاز خوبی برای تحلیل‌های گسترده در این باب و ورود به قلمرو سیاست، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است، به ویژه از دیدگاه سیاسی، تعاملات فردی و دولت در این حوزه اهمیت فراوان می‌یابد. با توجه

به این که افراد، منبع اولیه‌ی ناامنی یکدیگر هستند، مسئله‌ی امنیت فردی ابعاد گسترده‌تر اجتماعی و سیاسی پیدا می‌کند. این امر به طرح پرسش‌هایی درباره‌ی ماهیت اساسی دولت منجر می‌شود. با این ملاحظه، امنیت فردی با تبدیل به مسئله‌ی اجتماعی، ماهیتی جمعی و مدنی پیدا می‌کند. (همان، ص ۶۵-۶۶) در آیات قرآن، به اهمیت و جایگاه امنیت در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها اشاره شده است.

۱. در نظر گرفتن رویکرد بنیادین و معنوی در امنیت

در دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، امنیت بر اساس نگاه دینی-اسلامی با دورویکرد و نگرش به انسان و جهان (دنیا) شکل گرفته، با نگاه عمیق انسان‌شناسانه، جهان‌شناسانه ارزیابی می‌گردد، به این معنا که ویژگی‌های درونی انسان‌ها با سرایت به برون آدمی (یعنی دنیای پیرامون)، امنیت در بعد مادی و بیرونی متأثر از درون آدمی می‌شود. در این دیدگاه، درون انسان، منشأ اصلی خیر و شر انسان و جامعه‌ی انسانی شناخته می‌شود. این نگاه الگوی امنیت را از درون به بیرون می‌بیند؛ از این رو، در سطح اجتماعی و ملی نیز تأکید بر عوامل درونی است، به گونه‌ای که با تحقق و وجود شرایط مطلوب درونی، تهدیدات بیرونی کم‌اثر و قابل کنترل قلمداد می‌شوند و در مقابل، نابسامانی و فقدان تعادل درونی، مهم‌ترین عامل ناامنی است که تهدیدات خارجی را فعال و مؤثر می‌کند. البته، در بیشتر نظریات، عوامل درونی و بیرونی محیطی، هر دو در ایجاد امنیت و ناامنی مؤثر تلقی شده‌اند. (سیامک ره‌پیک، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲-۱۱۳)

امنیت روحی، با سازندگی روحی و مبارزه با شیطان باطنی (مبارزه با رذایل اخلاقی) ایجاد می‌شود و مقدم بر ابعاد مادی است. انسان تا خودش را نسازد، نمی‌تواند دیگران را بسازد و تا دیگران ساخته نشوند، جامعه ساخته نمی‌شود. اگر انسان‌ها با شیطان باطنی خودشان جهاد نکرده باشند، علاوه بر این که نمی‌توانند در جامعه امنیت برقرار سازند، موجب فساد و ناامنی در جامعه می‌شوند. (نجف لک‌زایی، ۱۳۸۹، ص ۹-۱۰)

رابطه‌ی دین و دنیا، وسیله‌ی رسیدن انسان‌ها به کمال است. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) درباره‌ی انسان معتقدند که در نگرش اسلامی، علاوه بر این که دو نگاه درباره‌ی انسان مطرح است، دو نوع نگاه نیز به دنیا وجود دارد: در یک تعبیر، دنیا عبارت است از زندگی انسان در جهان هستی (دنیا)، تلاش، خرد و دانایی، حقوق و وظایف و تکالیف انسان‌ها در صحنه‌ی سیاست، اقتصاد، فرهنگ، تربیت و عدالت؛ اینها - همه - میدان‌های زندگی است. در این معنا، دنیا، میدان اساسی وظیفه، مسئولیت و رسالت دین شمرده می‌شود. دین آمده است تا در صحنه‌ی



عظیم و در این عرصه‌ی متنوع، به مجموعه‌ی تلاش انسان شکل و جهت بدهد و آن را هدایت کند. دین و دنیا در این معنا، از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند. دنیا، بدون مهندسی دین و دست خلاق و سازنده‌ی دین، خالی از معنویت، حقیقت، و محبت و امنیت خواهد بود. محیط زندگی انسان، بدون دین، به قانون جنگل و محیط و زندگی جنگلی تبدیل می‌شود. انسان در صحنه‌ی عظیم دنیا باید بتواند احساس امنیت و آرامش کند و میدان را به سوی تعالی و تکامل معنوی باز نماید. (مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، بیانات سال ۱۳۸۴، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۱۰۶-۱۰۵)

ارزش‌های اخلاقی - سیاسی متعالی ملهم از بُعد متعالی وجود انسانی، مبتنی بر اصل اعتقادی کرامت انسان است که خلیفه‌ی خداوند در زمین به شمار می‌رود که اهدافی مانند تعالی معنوی، کمال اخلاقی و در نهایت، سعادت ابدی انسان را پی می‌جویند. منبع و منشأ این دسته ارزش‌ها و راه کسب شناخت انسان از آنها، ضرورتاً وحی است که به صورت موضوع ایمان تعریف می‌شود. ارزش‌های ناظر بر امنیت در بعد متعالی انسانی، چون موضوع ایمان هستند و در دایره امکان شناخت عام بشری قرار نمی‌گیرند، مؤمنان حقیقی را از مسلمانان ظاهری در جامعه‌ی اسلامی تفکیک می‌کنند. (تقی‌لو و علی‌آدمی، ۱۳۸۹، ص ۴۰-۴۱)

تعالی اخلاقی و معنوی در انسان‌ها، آثار دنیوی ناظر بر خیر یا مصلحت اجتماعی و سیاسی دارد، زیرا زمینه‌ساز امنیت اجتماعی است و به از میان بردن زمینه‌های جرم، تعدی و تجاوز منجر می‌شود. در اهمیت نگاه دوگانه به انسان می‌توان گفت که امنیت و صلاح و نقطه‌ی مقابل آنها، فساد، ناامنی، سلب آرامش و... تابع «اعمال مردم» و انسان‌هاست. اگر انسان‌ها در راه حسنات و طاعت خدای سبحان حرکت کنند، آرامش و امنیت را به دست خواهند آورد، ولی اگر در راه گمراهی و فساد گام بردارند، شاهد شیوع ظلم، بروز جنگ‌ها، سلب امنیت و... خواهند بود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۲۷۱)

از این رو، نقش انسان و علاج مفاسد درونی انسان‌ها، مقدمه‌ی آرامش و امنیت بیرونی به شمار می‌رود. امنیت در دیدگاه اسلامی و به ویژه در دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، با چنین پیش شرط‌ها و پیش ارزش‌هایی مد نظر است، زیرا بُعد الهی‌سازی امنیت، حرکت به سوی اخلاقی‌سازی و توجه به معنویت و بعد متعالی زندگی انسان است. امنیت در اندیشه‌ی سیاسی اسلام، مبتنی بر اصل عقلانی پاسخ‌گویی به نیازها، ضرورت‌ها و اقتضائات طبیعی آن، به ویژه فراهم نمودن بسترهای ضروری آگاهی و آزادی او در زندگی دنیوی و در عرصه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی، است. این ارزش‌ها ناظر بر خیرات یا مصالح دنیوی، شامل اصل همزیستی و بهزیستی یا اصل توسعه‌ی مدنی در برابر عقب‌ماندگی و زندگی بدوی، عدالت اجتماعی، رشد

و توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، دفاع، صلح و مانند آنها می‌شوند. ماهیت این ارزش‌ها یا دلیل وجودی آنها، در قالب تجربه و عقلانیت تاریخی - اجتماعی یا شرایط زمانی - مکانی انسان‌ها درک و شناخته می‌شود و ناظر بر مصالح دنیوی مسلمانان و جامعه‌ی اسلامی است. (همان جا)

امنیت در بعد مادی، که در طول بعد متعالی آن قرار دارد، در حدود شناخت عقلی و تجربی بشر قرار می‌گیرد. در این دیدگاه، امنیت، به نوعی خیرات و مصالح دنیوی را در نظر می‌گیرد. در این چارچوب، تأمین امنیت، نه فقط با توجه به قدرت سیاسی، که بر پایه‌ی ارزش‌های سیاسی - اخلاقی دوگانه‌ی متعالی و دنیوی، همچون کمال اخلاقی، کرامت و سعادت انسانی و همچنین همزیستی و بهزیستی و توسعه‌ی مدنی مورد داوری قرار می‌گیرد. ابعاد دوگانه‌ی وجودی انسان و در نتیجه، کارکرد بعد متعالی و تعالی بخش دین برای سعادت اخروی و دنیوی انسان است که به طور ضروری از مجرای حصول ایمان حقیقی به وحی ممکن می‌شود. این بعد را می‌توان از دیدگاه معرفت‌شناختی به صورت بعد متعالی و وحیانی تعریف کرد. در این زمینه می‌توان با تعالیم و بشارت انبیا علیهم‌السلام زندگی آرام، همراه با عدالت و متناسب با ساخت بشر ایجاد نمود. انسان‌ها می‌توانند با عمل به دستورها و تعالیم، پیامبران و ایمان به آن، راه‌های سلامت و امنیت را به دست آورند. از دیدگاه اسلامی و دینی، مسیر و راه‌های آرامش و امنیت، مربوط به همه‌ی محیط‌هایی است که برای انسان اهمیت دارد که عبارت است از: محیط درونی قلبی انسان (خودشناسی)، محیط جامعه، محیط خانواده، محیط کسب و کار، محیط زندگی جمعی، محیط بین‌المللی که اسلام به دنبال ایجاد این گونه آرامش و امنیت است. (مقام معظم رهبری مدظله‌العالی)، بیانات سال ۱۳۸۹، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۸۹)

بعد دنیوی هستی انسان، در کنار بعد متعالی و معنوی وجود انسان، با توجه به کارکرد دین برای همزیستی و بهزیستی همه‌ی انسان‌ها در زندگی اجتماعی تحقق می‌یابد؛ زندگی‌ای که در آن، همزمان روح و جسم انسان، در آرامش و امنیت است و هم دنیا و آخرت انسان تأمین می‌شود. آرامش، امنیت و اطمینان روحی و جسمی در زندگی فردی، فواید اجتماعی، سعادت اجتماعی، عزت اجتماعی، استقلال و آزادی عمومی در آن تأمین است، در حالی که قرآن، کتاب مسلمانان، اینها را وعده داده است. قرآن حیات طیبه را به انسان‌ها وعده داده است: «فلنحییته حیاة طیبه». زندگی طیبه و پاکیزه یعنی چه؟ یعنی زندگی‌ای که همه‌ی ویژگی‌های عزت، امنیت، رفاه، استقلال، علم، پیشرفت، اخلاق، حلم و گذشت در آن وجود داشته باشد. (همان، ص ۹۸-۹۹)

۲. نگرش مادی به امنیت بدون در نظر گرفتن بعد معنوی (بعد متدانی)

در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، مفهوم «امنیت» می‌تواند با ابعاد صرفاً مادی انسان، بدون در نظر گرفتن بعد معنوی و متعالی انسان نیز سنجیده شود. در این معنا، انسان اسیر خودخواهی و نفسانیت خویش است و دنیا نیز محل به فعلیت رسیدن آمال و هوا و هوس‌های صرفاً مادی است. در متون اسلامی، دنیا به معنای نفسانیت و خودخواهی و اسیر هوا و هوس خود بودن و دیگران را هم اسیر هوا و هوس خود کردن آمده است. سرتاسر قرآن و کلمات بزرگان دین و پیامران الهی، چنین دنیایی را طرد و نفی می‌کند. چنین دنیایی، مطرود است که با دین جمع نمی‌شود و به معنای هوا، هوس، نفسانیت، انانیت، خودخواهی و خودپرستی است؛ مصداق این گونه دنیا را می‌توان در شاخصه‌ی فرعون، نمرود، قارون و در دنیای کنونی، با شاخصه‌هایی مانند استکبار و سلطه‌طلبی و خودخواهی برخی قدرت‌های بزرگ جهانی (مانند امریکا) مورد سنجش قرار داد. چنین معنایی از دنیا، شاخصه‌ی مستکبران ظالم و ستمگر روزگار تا امروز است که مجسمه‌های بزرگ‌ترِ ذایل اخلاقی در این دنیای مذموم شناخته می‌شوند. (همو، بیانات، سال ۱۳۸۴، نرم‌افزار حدیث ولایت ص ۱۰۶-۱۰۵)

از این نظر، انسان معمولی هم می‌تواند در دل و درون خویش فرعون داشته باشد و به قدر توان و امکانات خود، همانند فرعون، قارون و قیصر عمل کند؛ از این رو، او هم مثل فرعون و قارون و دیگر گردن‌کشان و طواغیت تاریخ خواهد بود. دینی که پیامبران منادیان آن هستند، با چنین دنیایی جمع نمی‌شود. از نظر اسلامی، دین با چنین دنیایی آباد نمی‌گردد. (همان جا) از دیدگاه اندیشه‌ی اسلامی، از عوامل زمینه‌ساز و ریشه‌ی اصلی ایجاد ناامنی و ناهنجاری اجتماعی، «حبّ نفس» و «انانیت نفس» انسانی است که از همه‌ی دشمن‌ها و بت‌ها بدتر و بزرگ‌تر و مادر همه‌ی بت‌ها شناخته می‌شود. (امام خمینی رحمته‌الله علیه، ۱۳۷۶، ص ۱۲۰)

توجه به ابعاد مادی زندگی بشر، بدون در نظر گرفتن بعد متعالی و معنوی انسان، منجر به ایجاد ناامنی، جنگ، تهدید و ارباب است. از دیدگاه اسلامی، همه‌ی گرفتاری‌ها و جنگ‌های عالم، از انانیت و خودخواهی انسان نشئت می‌گیرد، در حالی که با مرور سیره‌ی پیامبران و اولیای الهی در قرآن و کتاب‌های آسمانی دیگر دیده می‌شود که پیامبران و اولیای الهی هیچ‌گونه جنگ و دعوایی با هم نداشتند و در کنار هم با صلح و صفا زندگی می‌کردند، زیرا خودخواهی در آنان نبود و بعد متعالی و معنوی زندگی انسانی در آنان قوی گشته بود. (همان، ص ۱۲۱)

از نظر اندیشه‌ی اسلامی، علاج قطعی بیشتر مفاسد و ناامنی در دنیا، به علاج حب دنیا و حب نفس برمی‌گردد. با علاج آن، نفس دارای سکونت و طمأنینه می‌شود و قلب آرامش پیدا می‌کند

و این مسئله، در جهان خارج تأثیر می‌گذارد. (همو، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۲۵۴)
ناامنی و جنگ‌های فراوان، نتیجه‌ی نبود طمأنینه و ثبات قدم نداشتن انسان‌ها بوده است.
طمأنینه نفس و ثبات آن، انسان را بر نیروی غضب و شهوت چیره می‌سازد. ثبات و پایداری
نفس، انسان را در پیش‌آمدهای ناگوار عالم و فشارهای روحی و جسمی، همچون سدی آهنین
پابرجا و از لغزش و سستی در امان نگاه می‌دارد. (همان، ص ۳۶۱)

با توجه به مطالب پیش‌گفته، که در مورد وجوه امنیت در دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)
مطرح شد، روشن می‌شود بعد متعالی و معنوی دین در ایجاد امنیت و آرامش تأثیر انکارناپذیری
دارد و نمی‌توان وجوه معنوی امنیت را در جهان کنونی نادیده انگاشت. اندیشه‌های اسلامی -
دینی تصریح دارند که همه‌ی ناامنی‌ها، فسادها و جنایات، همواره، نشئت‌گرفته از کنار گذاشتن
ابعاد نورانی، معنوی و بعد متعالی و اخلاقی دین و امنیت است. در رویکرد اسلامی، روش‌ها و
نگره‌های موجود در زمینه‌ی امنیت، با رویکردها و بن‌مایه‌های لیبرالی به کلی فرق دارد. رویکرد
اسلامی نگاه صرفاً مادی را به مقوله‌ی امنیت، چاره‌ساز ایجاد امنیت در دنیای معاصر نمی‌داند.
ب. عوامل ایجاد ناامنی در جهان معاصر (تأکید بر بعد صرفاً مادی امنیت)

۱. خودخواهی و سرکشی انسان

از عوامل سلب آرامش و امنیت انسان‌ها، که منجر به ناامنی در سطحی گسترده‌تر می‌شود،
غلبه‌ی هوای نفس و به تعبیری، از غفلت از هوای نفس، خودخواهی و سرکشی انسان نشئت
می‌گیرد. (امام خمینی رحمته‌الله علیه، تفسیر سوره‌ی حمد، ص ۱۲۱) در منابع اسلامی، کبر و سرکشی،
زاییده‌ی جهل و نادانی است. (همو، شرح چهل حدیث، ص ۹۶)

از این رو، تهدیدات بیرونی مانند تهدیداتی که موجودیت انسان‌ها و در نتیجه، مسئولیت
اخلاقی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، از سوء نفس و غلبه‌ی هواهای نفسانی انسان‌ها تأثیر
می‌پذیرند که در این باره می‌توان به جهل تحمیل‌شده، بدویت، فقر و سلطه‌گری در حق افراد یا
جامعه اشاره کرد. از دیدگاه اسلامی، وقتی نفس انسانی مهار و کنترل نشود، به سرگردانی منتهی
شده، مشکلاتی در زندگی شخصی اجتماعی و سیاسی برای جامعه‌ی انسانی پدید می‌آورد. (مقام
معظم رهبری (مدظله‌العالی)، بیانات سال ۱۳۸۸، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۱۰۲)

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) تصریح دارند که در اندیشه‌ی اسلامی، نقاط معارضه و دشمنی با
اسلام، کسانی هستند که با ویژگی نفس ناسالم، با عدالت، صلح و امنیت به مخالفت برمی‌خیزند.
افزون بر آن، با روح متعالی انسانی، آرامش و آسایش انسان‌ها و جوامع در تضاد، مخالفت و معارضه قرار

دارند که نقطه‌ی مقابل دعوت انبیاست. (همو، بیانات سال ۱۳۸۹، ص ۸۹) خودخواهی‌های انسان معاصر و گرفتاری‌ها و بدبختی‌هایی که ناشی از اعمال غیراخلاقانه، غیرمتعهدانه و غیرمؤمنانه‌ی بشر صورت گرفته، ناشی از تجربه‌ی تلخ غرب درباره‌ی کشورهای دیگر و برآمدن فاشیسم، کمونیسم و لیبرالیسم بوده که به شعله‌ور شدن آتش ویرانگر جنگ جهانی اول و دوم انجامیده است. (همو، بیانات سال ۱۳۸۴، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۷۵) نمونه‌های تاریخی در ناکامی‌ها و تجربه‌های ناموفق در تأمین امنیت و آرامش در دنیا وجود دارد که به سه مورد اشاره می‌شود:

۱. بلوک بندی شرق و غرب؛ ۲. استعمار، نمونه‌هایی از کشتار، قتل و غارت قاره‌ی افریقا، آسیا و...؛ ۳. ساخت بمب‌های اتمی و شیمیایی، از نمونه‌های ناکامی‌های تجربه‌ی غربی در اداره‌ی بشر و تأمین خوشبختی، آرامش و امنیت انسان است. (همان، ص ۷۶)

۲. دور شدن از آگاهی و حقیقت و گرفتار شدن در وادی نادانی با معیارهای غیراخلاقی

از عواملی که موجب به خطر افتادن امنیت در جنبه‌ی درونی انسان‌هاست که بر امنیت بیرونی تأثیر می‌گذارد، دور شدن از آگاهی و حقیقت و گرفتار شدن در وادی جهل است که در متون دینی-اسلامی بر آن تمرکز شده و در بعدی کلان‌تر، عامل همه‌ی بدبختی‌های انسانی، جهل و ناآگاهی انسان‌هاست. نادانی، مسبب بسیاری از بدبختی‌هاست و انسان‌ها را به بسیاری از ظلمت‌ها و کدورت‌ها مبتلا کرده است. (امام خمینی رحمته‌الله علیه، شرح چهل حدیث، ص ۷۱) روی‌گردانی از عقل و بی‌خردی انسان‌ها، صلح، عدالت و امنیت را در دنیای کنونی به خطر می‌اندازد. (مقام معظم رهبری مدظله‌العالی)، بیانات سال ۱۳۸۸، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۱۰۲) جهل، ستم و تبعیض، همواره، زندگی بشر را تهدید کرده است. در منابع دینی، جهل، یکی از موانع سلب آرامش در دنیای امروز، در کنار ستم و تبعیض برشمرده شده است. (همو، بیانات سال ۱۳۸۱، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۳)

با نگاه به بستر تاریخی و نیز تاریخ معاصر انسان‌ها، «جهالت‌های حقیقی» بشر از بین نرفته و چیزی در مجموعه‌ی زندگی انسان عوض نشده است؛ آن روز هم بسیاری از انسان‌ها، در جهل به سعادت واقعی می‌زیستند؛ امروز هم همین مسئله وجود دارد. دلیل ناکامی‌های بشر کنونی، اعراض از معنویت و دین و آموزه‌های عالی اسلامی است. (همو، بیانات سال ۱۳۶۹، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۴۳۵)

در ادوار گذشته، که همراه تلخی و سیاهی نیز بود، قدرت‌های غربی، از همه‌ی ابزارهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی برای تضعیف کشورها و ملت‌های دیگر استفاده می‌کردند. تفرقه، فقر و

جهل، نتیجه‌ی تسلط آنها بر جوامع و کشورهای دیگر بود. این مسئله در کنار غفلت، تنبلی و ضعف بسیاری از رجال سیاسی و مسئولیت‌ناپذیری بسیاری از نخبگان فرهنگی کشورهای مسلمان و جهان سوم بود که منجر به غارت ثروت‌های کشورهای اسلامی و تحقیر و حتی انکار هویت و نابودی استقلال برخی کشورها شد. (همو، مکتوبات سال ۱۳۸۴، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۷۵)

۳. سلطه‌گری و قدرت‌طلبی

سلطه‌گری، مانع اصلی برقراری امنیت در جهان کنونی به شمار می‌رود. همان گونه که در مطالب پیش‌گفته روشن شد، منابع اسلامی، ریشه‌ی سلطه‌گری را ناشی از بیماری روحی و درونی انسان‌ها می‌داند که به سبب آراسته نشدن به اخلاق و ایمان دینی و کنار گذاشتن آن از عرصه‌ی زندگی بشر به وجود آمده است، در حالی که از دیدگاه اسلامی، دین و ایمان دینی، تأمین‌کننده‌ی امنیت و مانع از سلطه‌گری می‌شود. باید دید چه چیز امنیت را تأمین می‌کند و نیز چه کسی امنیت را برقرار می‌سازد؟ در جهانی که انگیزه‌های قدرت‌طلبانه وجود دارد، ملت‌ها چگونه می‌توانند امنیتشان را به دست بیاورند و حفظ کنند؟ (همو، بیانات سال ۱۳۸۶، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۱۴۵) در زمینه‌ی سلطه‌طلبی و قدرت‌طلبی، مفاهیم دیگری در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در تطبیق با رفتار غیرانسانی قدرت‌های سلطه‌گرا از مفاهیم قرآنی و دینی گرفته شده و شایان توجه است. ویژگی‌هایی مانند ظلم و ستمگری، به تقویت و گسترش خوی سلطه‌طلبی منجر می‌شود. در این دیدگاه، ستمگری و ستم‌پذیری، عامل تهدیدکننده‌ی صلح و امنیت شناخته می‌شود. ظلم و ستم در اندیشه‌ی اندیشمندان مسلمان، در دو بعد اساسی مطرح شده است: یکی، در سطح جهانی، که می‌توان آن را ستمکاری و تبه‌کاری بین‌المللی نامید و دیگری، ستمکاری در سطح درونی دولت‌ها و ملت‌ها، که مانع اصلی بروز امنیت در کشورها و نیز در روابط بین‌الملل دولت‌ها و ملت‌هاست. نمونه‌ی ستمکاری در دولت‌ها را می‌توان دیکتاتوری و استبداد در این نوع کشورها برشمرد که آزادی و عدالت را سرکوب می‌کنند. نمونه‌ی این کشورها، عربستان سعودی، رژیم آل خلیفه در بحرین و... است. اسلام، ریشه‌کن نمودن ستمگری و ستم‌پذیری را شرط اساسی تضمین امنیت پایدار برمی‌شمارد و به ملت‌هایی امنیت را نوید می‌دهد که همه‌ی ابعاد ستم را از زندگی و روابط متقابل خویش با دیگران زدوده باشند. امنیت اسلامی در قالب نفی ظلم و ظلم‌پذیری نمود پیدا می‌کند. در اندیشه‌ی اسلامی، ایجاد امنیت، در پرتو نفی ستمگری در همه‌ی ابعاد آن است؛ (همو، بیانات سال ۱۳۷۷، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۹۵) از این رو، همواره مشی سلطه‌گرایانه و ظالمانه، که وجوه امنیت و صلح انسانی و جهانی را تهدید می‌کند، مورد نفی



اندیشه‌ی اسلامی قرار دارد. (همو، بیانات سال ۱۳۸۰، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۱۲۸) در دیدگاه اسلامی، تا زمانی که بی‌عدالتی، ظلم و ضایع کردن حقوق ملت‌ها وجود دارد، امنیت و صلح معنا نخواهد داشت. اصل نفی ظلم و ظالم و مقابله با آن، یکی از اصول ثابت تفکر مسلمانان شناخته می‌شود. (همو، بیانات سال ۱۳۷۳، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۱۰۶) در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، استکبار و استضعاف، عوامل دیگر به خطر انداختن امنیت و آرامش شناخته می‌شوند که در بحث «سلطه‌طلبی و قدرت‌طلبی» مطرح می‌گردد. در این دیدگاه، با تحلیل و تطبیق خارجی واژه‌های قرآنی همچون «مستکبرین» و «مستضعفین»، صف‌بندی جدیدی در عرصه جهانی مطرح می‌شود. در این گفتمان، منازعه‌ی اصلی بین دولت‌ها با منافع و اهداف متفاوت نیست، بلکه بین صاحبان قدرت و زور (مستکبرین) و توده‌های ملل محروم و مستضعف جهان است. (امام خمینی رحمته‌الله، صحیفه‌ی نور، ج ۱۵، ص ۵۰۷) صلحی که در منشور سازمان ملل متحد طرح می‌شود، غالباً مفهومی تک‌بعدی است که در نهایت، منافع قدرت‌های بزرگ را تضمین می‌نماید و در محیطی خصمانه و خصومت‌آمیز، که صلح‌گرایی نهادینه نشده باشد، بهره‌گیری از واژه‌ی صلح، مستمسکی در دست سیاست‌های قدرت‌های جنگ‌افروز و سلطه‌گرو می‌شود. (همان، ج ۱۹، ص ۱۵۰) در چنین محیطی، صلح و امنیت پایدار تحقق نخواهد یافت و دولت‌ها، همواره، از ناامنی نگران خواهند بود. (مقام معظم رهبری مدظله‌العالی)، بیانات سال ۱۳۸۵، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۷)

۴. جنگ و تجاوز

جنگ، یکی از عوامل تهدیدکننده‌ی صلح و تجاوز، امنیت شناخته می‌شود. برای تأمین صلح و امنیت از طریق کنترل جنگ و تجاوز، اصل حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، جایگزین قانونی بودن جنگ شده است. (عمید زنجانی، ۱۳۷۷، ص ۴۰۰)

تجاوز، عامل اصلی تهدیدکننده‌ی امنیت به شمار می‌رود؛ هنگامی که دولتی بر حریم سرزمینی و مملکات و حقوق دولتی دیگر تجاوز می‌کند، امنیت بین‌المللی را نقض کرده، حرمت آن را می‌شکند و امنیت قلمروهای دیگر نیز به مخاطره می‌افتد. (همان، ص ۴۰۲)

در منطق اسلام، تجاوز شایسته‌ی انسان نیست، بلکه خصلت حیوانی به شمار می‌رود که از غرایز سرکش حیوانی سرچشمه می‌گیرد. در دیدگاه‌های اسلامی، هرگونه زیر پا گذاشتن حقی، تجاوز است و این حق می‌تواند فردی، اجتماعی و بین‌المللی باشد. نقض حقوق شناخته‌شده‌ی ملت‌ها، تجاوز به آنهاست و این حق می‌تواند از هر مقوله‌ای باشد. بارزترین آن، تجاوز به حق

حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی کشورهایی است که دارای این حقوق هستند. تجاوز در روابط بین‌المللی می‌تواند ابعاد گسترده‌تری داشته باشد که در هر مورد، نوعی نقض امنیت بین‌المللی را به همراه دارد. (همان، ص ۴۰۳)

برای رسیدن به امنیت، دولت‌ها حق دارند در برابر حمله‌ی مسلحانه از خود دفاع کنند، ولی هنگامی که شکل‌های گوناگون، پیچیده و ظریف مداخله در امور داخلی دولت‌ها مورد بررسی قرار گیرد، تشخیص موارد تجاوز و دفاع مشروع دشوار می‌شود. در چنین مواردی، اگر امکان به‌کارگیری عبارتی جامع در منشور ملل متحد وجود نداشته یا به‌گونه‌ای، به سود متجاوزان باشد، به زیان کشورهای قربانی خواهد بود، در حالی که در تعریف تجاوز، کاربرد زور و اقدام مسلحانه مورد بررسی قرار گرفته و شیوه‌های دیگر تجاوز مورد غفلت واقع شده است. در تعریف تجاوز، در مواردی که دولت‌های سلطه‌جو دست به اقدامات زورمندانه برای محروم کردن ملت‌ها از اعمال حق تعیین سرنوشت، آزادی و استقلال خود می‌زنند - خواه ناخواه - باید حق مبارزه برای ملت‌های تحت ستم با همه‌ی وسایلی که در اختیار دارند، به رسمیت شناخته شود. در چنین مواردی، کاربرد زور هرگز نباید تجاوز تلقی گردد. (همان، ص ۴۱۵-۴۱۶)

در اندیشه‌ی اسلامی و اندیشمندان مسلمان، انسان دو بعد حیوانی و انسانی دارد و با توجه به این که انسان‌ها تحت چه نوع تعلیمی واقع شوند، با توجه به نوع تربیت، از حیوانات پست‌تر می‌شود یا قوای کامل انسانیتش فعلیت پیدا می‌کند و به مرحله‌ی متعالی و ایمانی نزدیک می‌شود؛ چیزی که انسان را به جنگ و تجاوز با انسان‌های دیگر فرامی‌خواند. «حب نفس» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۶، ص ۴۵۸) انسانی، راهنمای وی در حرکت حیوانی او به شمار می‌رود و در این میان، فرقی بین انسان‌ها وجود ندارد؛ سیاستمدار، دولتمرد یا فردی دارای شأن پایین اجتماعی، غربی یا شرقی یا هر کس دیگری باشد. داشتن یا نداشتن مشروعیت، در بعد حب نفس می‌چرخد؛ از این رو، از عوامل ناامن‌کننده و ایجادکننده‌ی جنگ، که بارها در آثار اندیشمندان اسلامی به تبع از قرآن نمود پیدا کرده است و اساس همه‌ی گرفتاری‌ها و جنگ‌ها در عالم شده، «حب نفس» است. (همان، ج ۱۶، ص ۴۵۸)

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) معتقدند افراد و مجموعه‌های بشری، همواره، از دو سو آسیب دیده‌اند: اول از درون خود، که منشأ آن، ضعف‌های بشری، هوس‌های مهارگسیخته، تردید، بی‌ایمانی و خصلت‌های منهدم‌کننده است و دوم، از دشمنان بیرونی، که بر اثر طغیان، افزون‌طلبی، تجاوز و ددمنشی، محیط زندگی را بر انسان‌ها و ملت‌ها تنگ و فشارآلود می‌سازند و با جنگ، ظلم، تحمیل و زورگویی، بلای جان آنان می‌شوند. (مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)،

مکتوبات، سال ۱۳۷۲، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۱۹)

با در نظر گرفتن این معنا، دلیل به وجود آمدن جنگ و تجاوز در جوامع بشری، از هوای نفس سرکوب‌نشده‌ی انسان‌ها پدید آمده است و اکنون، که اسلحه و ابزار جنگ‌افروزی در دست ناشایست‌ها و غیرصلحا افتاده است و خلع سلاح نشده و مشکلات فراوانی به وجود آورده‌اند، ناشی از همین مسئله بوده است؛ (صحیفه‌ی نور، ج ۳، ص ۲۹۷-۲۹۸) از این رو، سلاح باید تابع و در خدمت قلم و دین قرار گیرد و وقتی سلاح در خدمت دین قرار گرفت، خطرناک نیست.

جنگ نیز ابزار و هدف ارضای حب نفس، خودخواهی و خودطلبی است؛ بنابراین، تعیین الهی یا غیرالهی بودن هدف، در وقوع جنگ دخیل است و به واقع، در اندیشه‌ی اسلامی، برای نیل به هر هدفی، نمی‌توان متوسل به جنگ شد؛ ایجاد حکومت مطلقه استبدادی، دست‌اندازی به منابع و سرزمین‌های دیگران یا گسترش سلطه، نمی‌تواند مجوزی برای حمله یا اقدام نظامی قدرت‌ها به شمار رود، در حالی که عملاً در صحنه‌ی بین‌المللی، جنگ‌ها و تجاوزها براساس خودخواهی و منافع قدرت‌های سلطه‌گر صورت می‌گیرد. در نظام سلطه، مراکز سلطه‌ی جهانی به همه‌ی دنیا به چشم طعمه نگاه می‌کنند؛ همه چیز (منابع مالی و ثروت دنیا، بازارها و قدرت کار دنیا) باید در اختیار آنها قرار گیرد؛ نظام سلطه اصلاً پایه‌اش این است. نظام سلطه در واقع زنجیره‌ای از دولت‌ها و قدرت‌هایند، ولی پشت سر این دولت‌ها، کمپانی‌ها، مراکز اقتصادی و مراکز مالی هستند؛ تعیین‌کننده‌ی سیاست‌ها، امروز در نهایت آنها هستند. به خاطر دست‌یابی به منابع نفتی و سایر منابع خاورمیانه، به طراحی جنگ‌ها و تجاوزها می‌پردازند، مانند طراحی جنگ عراق، طراحی جنگ، طراحی حضور نظامی با این همه خسارت. وقتی سلسله‌وار دنبال می‌کنید، می‌رسد به مطامع و اغراض آمیخته‌ی اقتصادی و سیاسی قدرت‌هایی که پشت پرده‌ی سیاست‌های مقتدر دنیا تلاش و فعالیت می‌کنند. (مقام معظم رهبری ^(مدظله‌العالی)، بیانات سال ۱۳۸۳، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۱۸۹)

۵. تروریسم

تروریسم یکی از عوامل عمده‌ی سلب امنیت به شمار می‌رود. تروریسم از واژه‌های جدیدی است که وسیله‌ی سرکوب استقلال طلبی، نفی وابستگی و محرومیت، ایستادگی و مقاومت در برابر زورگویی ابرقدرت‌ها و قیام‌های مردمی در برابر دیکتاتوری رژیم‌های وابسته به کار گرفته می‌شود و در عین حال، پوششی است برای استتار شیوه‌های تهدید و ارباب، که ابرقدرت‌ها به منظور پیشبرد سیاست‌های سلطه‌گرانه و تجاوزکارانه‌شان در جهان به وجود آورده‌اند. (عمید

زنجان، ۱۳۷۷، ص ۴۲۴-۴۲۵) ابرقدرت‌ها، به ویژه استخبار امریکایی، در موج عظیم تبلیغاتی ضد تروریسم، هیچ‌گاه به ریشه‌های آن اشاره نمی‌کنند، در حالی که مبارزه با تروریسم باید با ریشه‌کن کردن عوامل و از میان بردن بی‌عدالتی و زورگویی انجام گیرد. تا فریادها در گلو شکسته نشود، مهم‌ترین عنصر در تعریف تهدید و ارباب، سلب امنیت است که آن را تا سرحد بزرگ‌ترین جنایت بر بشریت خطرناک می‌سازد. (همان، ص ۴۲۶-۴۲۷)

نکته‌ی دیگر، مقاصد غیرانسانی و ضدبشری است که معمولاً عاملین تهدید و ارباب را به ارتکاب جنایاتی بر ضد بشریت وامی‌دارد. در برخی از موارد، عملیات تهدید و ارباب با پوشش‌های انسان‌دوستانه، دفاع از حقوق ملی و ده‌ها بهانه‌ی واهی دیگر انجام می‌گیرد که اقدام‌کنندگان ضد امنیت، معمولاً برای توجیه جنایات خود، به آن پوشش‌ها متوسل می‌شوند که هدف و عمل آنها هرگز مورد قبول وجدان بشری و خواسته‌های انسان‌ها نیست. (همان، ص ۴۲۷)

ابرقدرت‌ها و در رأس آنها، ایالات متحده‌ی امریکا، از عوامل ایجادکننده‌ی ارباب، تهدید و سرچشمه و تقویت‌کننده‌ی تروریسم و گروه‌های تروریستی به کمک سرویس‌های جاسوسی در جهان است؛ (مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی)، بیانات سال ۱۳۸۷، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۹۶) از این رو، ویژگی ارباب و تهدید، که در موارد زیادی از امریکایی‌ها بروز می‌کند، ویژگی‌هایی دارد که ناشی از سلطه‌گری، خودخواهی و بی‌اخلاقی همراه با خلأ دین و معنویت است که می‌توان از ترور، تهدید، ارباب، تبلیغات غیرواقعی، جنگ روانی، دلسرد کردن، ناامیدی، ایجاد اختلاف و تفرقه و تحریک و برجسته کردن عصیت‌ها و قومیت‌ها و... نام برد که با برجسته کردن این موارد، احساس ناامنی به وجود می‌آورند. (همو، بیانات سال ۱۳۸۵، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۶)

تهدید و ناامنی دیگری که در جهان اسلام همانند «غده‌ی سرطانی» و شیطان، مانع ایجاد آرامش شده، رژیم جعلی اسرائیل است که عامل اصلی بحران و شرافزینی در این منطقه برشمرده می‌شود و به صورت آشکار و چشم‌گیری، آسیب و بحران فلج‌کننده در جهان اسلام مطرح بوده است. مانع اصلی برقراری امنیت در مناطق اسلامی، رژیم جعلی اسرائیل است. این مانع در کنار گروه و جنبش‌های خردگریز تکفیری و وهابی، با عاملیت سرویس‌ها و مراکز اطلاعاتی غربی، در کشورهای اسلامی مانع برقراری وحدت و همدلی و نیز آرامش و امنیت در این منطقه‌ی حساس شده‌اند. تحجر، خشونت و ترور جریان‌های تکفیری، همراه با سکوت مجامع بین‌المللی است. (مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی)، سخنرانی ۱۳۹۲/۱۲/۱۵) و سرویس‌های جاسوسی امریکا و انگلیس و رژیم صهیونیستی این جریان‌ها را به شدت تقویت می‌کنند. (همو، سخنرانی ۱۳۸۵/۱۰/۱۸)



ج. راهکارهای رسیدن به امنیت و آرامش در جهان معاصر

در رهیافت اسلامی اندیشه‌ی مقام معظم رهبری ^(مدظله‌العالی)، افزون بر عوامل و آسیب‌هایی که منجر به ناامنی می‌شود و از امراض و رذایل مهارنشده‌ی اخلاقی و اعتقادی درونی انسان‌ها نشئت می‌گیرد و به اجتماع و دنیای بیرونی سرایت می‌کند، راهکارهایی نیز برای کنترل و رسیدن به امنیت، آرامش و صلح در اندیشه‌های اسلامی مطرح شده است. راهکارهای رسیدن به امنیت، آرامش و صلح در دیدگاه‌های اسلامی، در دو بعد فرهنگی - اعتقادی و فرهنگی - سیاسی بررسی می‌شود.

• راهکارهای فرهنگی - اعتقادی

همان‌گونه که در مباحث پیشین مشخص و در رهیافت اسلامی اندیشه‌ی مقام معظم رهبری ^(مدظله‌العالی) طرح شد، از معضلات عمده‌ای که زمینه‌ی ناامنی را فراهم می‌کند، آسیب‌ها و معضلات فرهنگی شامل مسائل اعتقادی و اخلاقی است. در این دیدگاه، راهکارهایی برای رسیدن به امنیت و آرامش در ابعاد فرهنگی و سیاسی مطرح شده است که مهم‌ترین آن، توجه به ابعاد معنوی امنیت در کنار بعد مادی و بازگشت به مسیر فطرت، یعنی بازگشت به مسیر پذیرفتن میدان اساسی مسئولیت و رسالت دین است. (مقام معظم رهبری ^(مدظله‌العالی)، بیانات سال ۱۳۸۴، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۱۰۶) در اندیشه‌ی اسلامی، در قبال اعمال قدرت، گفتمان مسئولیت طرح می‌شود که می‌تواند امنیت را تأمین کند. مقام معظم رهبری ^(مدظله‌العالی) تصریح دارند که بدون پذیرفتن مسئولیت دین، زندگی انسان در دنیا، به قانون جنگل و محیط جنگلی و زندگی جنگلی تبدیل می‌شود. (همان‌جا) از این رو، رسیدن به امنیت، نیازمند توجه و بازگشت به رویکردهای دین‌محور و اخلاق‌مدار است. بشریت برای رسیدن به امنیت، باید رویکرد کلی بازگشت به دین را در پیش بگیرد. ملت‌های مسلمان باید رویکرد وحدت و بازگشت به اسلام و احکام اسلامی را فزونی بخشند تا به عزت و قدرت برسند و به تبع آن، از نعمت امنیت و رفاه برخوردار شوند. (همو، مکتوبات سال ۱۳۷۱، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۴۷) منظور از اتحاد اسلامی، که در اندیشه‌ی اسلامی مطرح است، هیچ‌گاه اتحاد بر ضد ادیان و ملل دیگر مانند مسیحیان و... نیست، بلکه برای اجرای اخلاق، معنویت و احیای عقلانیت، عدالت و پیشرفت و بازیابی عزت اسلامی است. اتحاد اسلامی برای مقابله با متجاوزان، اشغالگران و جنگ‌افروزان شکل می‌گیرد که نه تنها اعتقادی به ادیان الهی ندارند، که از خوی و خصلت‌های انسانی نیز بی‌بهره‌اند. (همو، مکتوبات سال ۱۳۸۳، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۵۹) شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی که در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری ^(مدظله‌العالی) می‌تواند در نگاه به امنیت کارساز باشد، عبارت است از:

۱. شناسایی اسلام حقیقی و تمایز قائل شدن با اسلام‌های ادعایی و امریکایی؛ در اندیشه‌ی اسلامی و دینی، اسلام، دین عدالت، آزادی و رستگاری و نیز خرد، اندیشه، دانش، عقلانیت، اتحاد، برادری و صلح جهانی است. در عین حال، همان گونه که اشاره شد، اسلام با نفسانیت و خودخواهی افسارگسیخته مخالف است. اسلام دست اتحاد با ظالم نمی‌دهد و با مظلوم همراهی می‌کند. اسلام، دین واقع‌بینی و حسابگری است، ولی توجیه ستم‌های جهانی به نام واقع‌بینی را گناه می‌داند. دین، احکام جاودانه است، ولی جمود و قشری‌گری را نمی‌پذیرد. دین اجتهاد و نواندیشی است، ولی بدعت‌گذاری و التقاط را در دین رد می‌کند و نمی‌پذیرد. دین گذشت و اغماض است، ولی ظلم‌پذیری و ذلت را مُجاز نمی‌داند. دین تمدن، علم و آبادانی است، ولی علمی را که وسیله‌ی بردگی و کشتار ملت‌ها و تمدنی‌ها، که دست‌آویز تحقیر انسان‌ها باشد، جهل و وحشیگری می‌شمرد. دین جهاد است، ولی جنگ بی‌منطق و قدرت‌طلبانه را جهاد نمی‌نامد. دین عزت، قدرت و حاکمیت است، ولی این را دست‌مایه‌ی توجیه وسائل ناشرافتمند نمی‌سازد. اسلام، پاسدار حرمت و حقوق انسان‌ها، تضمین‌کننده‌ی اخلاق، فضیلت و منادی آرامش و امنیت است. (همو، مکتوبات سال ۱۳۸۰، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۱۰۵-۱۰۶)

۲. روی‌آوری به ایمان دینی، یکی از شاخصه‌های تأمین امنیت در دنیای امروز به شمار می‌رود که از آن غفلت شده و بشریت را دچار مشکلات و آسیب‌های فراوانی کرده است. بازگشت بشریت به ایمان دینی، می‌تواند مسیر را برای رسیدن به آرامش و امنیت آسان کند. (همو، بیانات، سال ۱۳۸۹، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۱-۲)

یکی از مسیرهای رسیدن به ایمان دینی، شناسایی مسیر و زندگی قرآنی (زندگی پاکیزه) است. از دیدگاه اندیشه‌ی اسلامی، قرآن حیات طیبه (زندگی پاکیزه) را به انسان‌ها وعده داده است. حیات طیبه (زندگی پاکیزه)، یعنی زندگی‌ای که در آن، روح و جسم انسان و نیز دنیا و آخرت انسان تأمین است و زندگی فردی و آرامش، اطمینان، آسایش روحی و جسمی در آن وجود دارد. فواید اجتماعی، سعادت اجتماعی، عزت اجتماعی، استقلال و آزادی عمومی هم در آن تأمین است. قرآن اینها را به انسان‌ها وعده داده است. (همان، ص ۹۹-۹۸) ملت‌ها در سایه‌ی پیمودن راه خدا، به رفاه، امنیت، آرامش، آگاهی و معرفت می‌رسند. (همو، بیانات سال ۱۳۷۶، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۱۰۵) و همه‌ی بدبختی‌های بشر، ناشی از دوری از خداست. (همو، بیانات سال ۱۳۸۰، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۱۲۱) از دیگر مسیرهای رسیدن به ایمان دینی و در نتیجه، نائل شدن به امنیت در دنیای امروز، آشنایی با تعلیمات ارزشمند پیامبران الهی، با استفاده از قرآن و کتاب‌های مقدس است که برای بشر آراسته و منور شده است. (همو، بیانات سال ۱۳۷۶،

نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۱۹) زیرا ظرفیت رساندن جامعه و فرد به امنیت و ثبات (طمأنینه) در تعالیم پیامبران الهی وجود داشته است. (امام خمینی رحمته‌الله علیه، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۶۱) بشریت در نهایت نیاز، احتیاج مبرمی به پیام بعثت و پیروی از آموزه‌های انبیای بزرگ الهی دارد و در رأس برنامه‌های دعوت پیامبران، سه چیز از همه مهم‌تر است که در آیات قرآن به آنها تصریح شده است: علم و حکمت، تزکیه و اخلاق، عدالت و انصاف. همه‌ی گرفتاری‌های بشر، ناشی از دورافتادن از تزکیه‌ی اخلاقی است. تزکیه‌ی اخلاقی برای کشور ضروری است؛ مهرورزی انسان‌ها با یکدیگر، انصاف انسان‌ها با هم، رعایت حال انسان‌های دیگر در برنامه‌ریزی زندگی انسان، رحم و مروت بین افراد بشر، زندگی بشر را آرامش و امنیت می‌بخشد. (مقام معظم رهبری مدظله‌العالی)، مکتوبات سال ۱۳۸۶، نرم‌افزار حدیث ولایت، ص ۲۱-۲۲)

۳. معرفت‌افزایی و آگاهی‌یابی؛ بر این رویکرد در اندیشه‌ی دینی و اسلامی تأکید شده است. شاید به همین سبب بود که شاهد نامه‌نگاری عمومی و جهانی رهبر انقلاب اسلامی ایران (مدظله‌العالی) بودیم که مخاطب آن را جوانان اروپا و ملل دیگر تشکیل می‌داد. این کار به سبب رویکرد آگاهی‌سازی و ایجاد مسئله‌کردن برای جوانان به منظور حرکت به سوی معرفت‌افزایی و آگاهی‌یابی از فرهنگ و تمدن غربی و نیز مزایا، آسیب‌ها و معضلات آن، بدون پیش‌داوری و نیز پژوهش و نگاه منصفانه به نقش دین و اسلام صورت پذیرفته که تحت تبلیغات رسانه‌های غربی قرار گرفته است. آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) از جوانان اروپایی می‌خواهند لایه‌های ظاهری جامعه‌شان را با آگاهی و معرفت مورد بازنگری قرار دهند و تعاملی درست و شرافتمندانه با جهان اسلام پی‌ریزی کنند. (مقام معظم رهبری مدظله‌العالی)، نامه ۱۳۹۴/۰۹/۰۸ به جوانان کشورهای غربی)

• راهکارهای سیاسی

راهکارهای اسلامی برای ایجاد امنیت و آرامش در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، دارای ماهیتی سیاسی- فرهنگی است، زیرا خیلی از اقدامات، عملکردها و تبلیغات صورت‌گرفته در غرب ضد ادیان و به ویژه اسلام و کشورهای اسلامی، ماهیتی فرهنگی- سیاسی دارد. راهکارهای رسیدن به آرامش و امنیت در جهان معاصر از دیدگاه رویکرد اسلامی، عبارت است از:

۱. اصلاح معیارهای دوگانه مسلط بر سیاست غرب

یکی از موارد مهم در رسیدن به آرامش و امنیت، اصلاح تضادهای سیاست‌های غربی است. این موارد، تضاد سیاست‌های غربی را نشان می‌دهد و از نمونه‌های منطبق متناقض غرب، می‌توان به حمایت و تسلیح القاعده، طالبان و تروریسم تکفیری مانند داعش، جبهه‌النصره

و...، پشتیبانی و حمایت از تروریسم دولتی اسرائیل، لشکرکشی‌های سال‌های اخیر به دنیای اسلام اشاره کرد که قربانیان بی‌شماری داشت. کشورهای مورد تهاجم، افزون بر خسارت‌های انسانی، زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی خود را از دست داده و حرکت آنها به سوی رشد و توسعه، به توقف یا کندی گراییده و در مواردی، ده‌ها سال به عقب برگشته‌اند. آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به سران و سیاستمداران غربی، که مسبب بسیاری از بدبختی‌ها در کشورهای دیگر و به ویژه کشورهای اسلامی شده‌اند، توصیه به عذرخواهی صادقانه و پذیرفتن مسئولیت می‌کنند. (نامه ۱۳۹۴/۰۹/۰۸ به جوانان کشورهای غربی) معیارهای دوگانه سیاست‌های غربی، منجر به افزایش اندیشه‌ی خشونت‌زا می‌شود. یکی از موارد دوگانگی، تزویر سیاست‌های غرب در برخورد با تروریسم و تقسیم آن به خوب و بد است. اصلاح معیار و ملاک‌های دوگانه و خشونت‌زا و اصلاح نگاه به تروریسم، می‌تواند کمکی در ایجاد صلح و آرامش شود. (همان جا)

۲. ترجیح معیارهای اخلاقی و انسانی بر منافع مادی دولت‌ها

حلقه‌ی گم‌شده‌ی مناسبات سیاسی دولت‌ها، نبود معیارهای اخلاقی و انسانی است که منجر به ترجیح منافع مادی دولت‌ها شده است. این معادله باید برعکس گردد و برای رسیدن به امنیت و آرامش در دنیای امروز، باید معیارهای اخلاقی انسانی بر منافع مادی دولت‌ها ترجیح داده شود، در حالی که این خاصیت، بسیاری از دولت‌های غربی را به پرخاشگری و بی‌بند و باری اخلاقی کشانده و به مؤلفه‌ی اصلی فرهنگ غربی تبدیل کرده است. این دو عنصر در برخورد با فرهنگ بومی و به عبارتی، فرهنگ هدف، تلاش به تزریق آن با ارجحیت و در نظر گرفتن منافع مادی خویش دارد که سبب تعارض با بافت فرهنگی هدف می‌شود. با ملاک قرار دادن معیارهای اخلاقی و انسانی و پرهیز از «پرخاشگری» و «بی‌بند و باری اخلاقی» (همان جا)، می‌توان گامی در راه بازگشت آرامش و امنیت به صحنه‌ی بین‌المللی برداشت.

۳. احترام به فرهنگ‌های دیگر و پرهیز از سیاست همانندسازی فرهنگی

همانندسازی فرهنگی، یکی از ابزار مخرب دولت‌های غربی به شمار می‌رود که همواره، سبب بسیاری از جنگ‌ها و ستیزها و برهم خوردن آرامش و امنیت بسیاری از ملت‌ها شده است. در سالیان متمادی این ویژگی به تدریج در سیاست‌های فرهنگی غرب رسوخ کرد و به نوعی، هجومی نرم و خاموش را بر ضد فرهنگ ملت‌های دیگر سامان داد. (همان جا) در حالی که این فرهنگ به عنوان «فرهنگ جایگزین» (همان جا) از هیچ ظرفیت و توانایی انسانی - اخلاقی برای جایگزین شدن به جای «فرهنگ هدف» برخوردار نیست. احترام قائل شدن به فرهنگ

بومی، ملی و غنی ملل دیگر و نیز اسلام و پرهیز از همانندسازی فرهنگی و همچنین پرهیز از تحقیر و اهانت به فرهنگ‌های غنی دیگر، از عوامل امنیت، آرامش در دنیای کنونی است، زیرا تحمیل فرهنگی و تحقیر فرهنگ‌های دیگر، خشونت‌ی خاموش و زبان بار تلقی می‌شود. (همان جا) اندیشمندان اسلامی، درباره‌ی آسیب‌های فرهنگی غرب، به انتقاد از جنبه‌های منفی فرهنگ غربی مانند فرهنگ ستیزه‌جو، مبتذل و معناگریز پرداخته‌اند. البته این به معنای انکار ارزش پیوندهای فرهنگی نیست. (همان جا) این پیوندها هرگاه در شرایط طبیعی و با احترام به جامعه‌ی پذیرا صورت گرفته، رشد، بالندگی و غنای را به ارمغان آورده، در حالی که پیوندهای ناهمگون و تحمیلی غرب، برای فرهنگ‌های دیگر، ناموفق و خسارت‌بار بوده است. اگر دقت شود، گروه‌های فرومی‌های مانند داعش، زبیده‌ی این‌گونه وصلت‌های ناموفق با فرهنگ‌های وارداتی و غربی است. (همان جا)

۴. پرهیز از واکنش‌های عجولانه درباره تروریسم

اسلام، که دین رحمت است، هرگونه اقدامات تروریستی را محکوم می‌کند. اسلام، همواره، درصدد پرهیز از خشونت و تروریسم بوده است و عمل به احکام متعالی اسلام و قرآن، بستر مناسبی فراهم می‌سازد تا جامعه از فشار تروریسم رهایی یابد. مقام معظم رهبری ^(مدظله‌العالی) از جوانان اروپایی می‌خواهند آگاهی‌شان را درباره‌ی جامعه و سیاست‌های گذشته و حال افزایش داده، لایه‌های ظاهری جامعه، فرهنگ و سیاست را کنار زده، با واقع‌بینی بیشتری درباره‌ی حوادث و رویدادهای جامعه‌شان برخورد نمایند. یکی از این موارد، «واکنش عجولانه» به مبارزه با تروریسم است که منجر به افزایش گسست‌های فرهنگی و اعتقادی می‌شود، (همان جا) زیرا رفتارها و اعمال ظالمانه، به ویژه در مورد مسلمانان، بی‌پاسخ نمانده است و به گواه تاریخ، همواره ظلم، خاصیت برگشت‌پذیری در جامعه‌ی ظالم دارد. (همان جا) با آگاهی و پرهیز از حرکت‌های عجولانه، می‌توان به امنیت و آرامش در جهان معاصر کمک کرد.

۵. توجه به جنبه انسانی و احساسی امنیت و درک متقابل از ناامنی (درک احساس مشترک)

احساس مشترک «ناامنی»، از جنبه‌ی مشابهت حوادث تروریستی در اروپا و خاورمیانه (احساس ناامنی و رنجی که مردم عراق، یمن، سوریه و افغانستان تحمل می‌کنند)، موجب درک متقابل از آن می‌شود. درک متقابل احساسی و انسانی، می‌تواند به پیش‌گیری از ناامنی و ایجاد امنیت و آرامش کمک کند، زیرا مقولاتی مانند امنیت و ناامنی، احساس مشترک همه‌ی انسان‌هاست و به بعضی از انسان‌ها اختصاص ندارد و نمی‌توان «امنیت» را ویژه‌ی برخی از مناطق دانست

و برخی دیگر از مناطق را از آن استثنا نمود. (همان جا) این مسئله در نامه‌ی دوم مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به جوانان اروپا مورد بررسی قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

مسئله‌ی اصلی پژوهش حاضر، بررسی رویکرد اسلامی به مسئله‌ی امنیت در جهان معاصر، با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بود. در هیافت اسلامی این اندیشه، «امنیت»، مفهومی تک بعدی نبوده، عامل اصلی ایجاد امنیت و آرامش، تابع وجوه اخلاقی و معنوی امنیت است و غفلت از وجوه دینی، معنوی و اخلاقی، عامل اصلی ناامنی برشمرده می‌شود، در حالی که رویکردهای امنیتی دنیای معاصر، بر جنبه‌های مادی امنیت تکیه و تمرکز کرده و از وجوه معنوی و غیرمادی آن غفلت نموده‌اند. در این دیدگاه، نخستین مانع ایجاد آرامش و امنیت در دولت‌ها و ملت‌ها، منشأ انسانی دارد که در اثر درون و نفس تهذیب نشده‌ی انسان‌ها نمود پیدا می‌کند. خودخواهی، سرکشی و طمع‌ورزی برخی از انسان‌ها، در قبال دیگران، منجر به بروز ناامنی فراوانی در وجوه بیرونی اجتماعی و سیاسی شده است و در نتیجه، موجودیت انسان‌ها و مسئولیت اخلاقی و انسانی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سوء نفس و غلبه‌ی هواهای نفسانی انسان‌ها، منجر به غلبه یافتن معیارهای غیراخلاقی، جهل، بدویت، فقر و سلطه‌گری در حق افراد یا جامعه و در نهایت، ایجاد ناامنی، جنگ، تجاوز و حمایت از تهدید و ترور، به دلیل اغراض خودخواهانه می‌شود. در این پژوهش، به راهکارهای رسیدن به امنیت و آرامش اشاره شده است که عبارت است از:

۱. راهکارهای فرهنگی - اعتقادی، توجه به ابعاد معنوی امنیت در کنار بعد مادی و بازگشت به مسیر فطرت، یعنی بازگشت به مسیر پذیرفتن میدان اساسی مسئولیت و رسالت دین؛ در اندیشه‌ی اسلامی، رسیدن به امنیت، نیازمند توجه و بازگشت به رویکردهای دین محور و اخلاق مدار است. بشریت برای رسیدن به امنیت باید رویکرد کلی بازگشت به دین را در پیش بگیرد. در رویکرد اسلامی اندیشه‌ی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی وجود دارد که می‌تواند در نگاه به امنیت و مباحث مرتبط کارساز باشد که عبارت است از: شناسایی اسلام حقیقی و تمایز قائل شدن با اسلام‌های ادعایی و تبلیغی نظام سلطه، برقراری ارتباط با مراکز معتبر دینی، علما و مسلمانان و آگاهی از تاریخ و سیره‌ی درخشان اسلام، روی آوری به ایمان دینی، به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های تأمین امنیت در جهان امروز، که از آن غفلت شده و بشریت را دچار مشکلات و آسیب‌های فراوانی کرده است.

۲. درباره‌ی راهکارهای فرهنگی - سیاسی می‌توان به مواردی اشاره نمود که عبارت است از:

اصلاح معیارهای دوگانه و متضاد مسلط بر سیاست‌های غربی (از سویی، شعار مبارزه با تروریسم و حمایت از حقوق بشر و از سوی دیگر، پشتیبانی از گروه‌های تروریستی)، مهم شمردن و ترجیح معیارهای اخلاقی - انسانی بر منافع مادی و خودخواهی دولت‌ها، احترام به فرهنگ‌های دیگر و پرهیز از سیاست همانندسازی فرهنگی، پرهیز از واکنش‌های عجولانه درباره‌ی همه‌ی مسلمانان، رسیدن به درک متقابل و احساس مشترک در زمینه‌ی امنیت و ناامنی، که از نظر عینی و واقعی، همه‌ی انسان‌ها نیازمند آرامش و امنیت‌اند و همه‌انسان‌ها از ناامنی‌گریزان‌اند. در یافته‌ی این پژوهش می‌توان گفت که در رهیافت اسلامی امنیت، که در دیدگاه‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مشهود است، آموزه‌های رحمانی اسلام، پیوند ناگسستنی با مسئله‌ی امنیت و صلح در جهان معاصر دارد. در این نگاه، دوری‌گزینی از دین و اخلاق دینی و کنار گذاشتن آنها از عرصه‌ی روابط اجتماعی، سیاسی و بین‌الملل، عامل اصلی ناامنی در جهان معاصر به شمار می‌رود. راه رسیدن به آرامش و امنیت، بازگشت به فطرت الهی انسان‌ها، یعنی پذیرش دین در همه‌ی عرصه‌های اجتماعی و سیاسی انسان است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. امام خمینی رحمته الله علیه، تفسیر سوره ی حمد، تهران، مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ج ۳، ۱۳۷۶ ش.
۳. همو، تقریرات فلسفه، تهران، مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۶ ش.
۴. همو، جهاد اکبر، تهران، مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، بی تا.
۵. همو، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ج ۵، ۱۳۷۳ ش.
۶. همو، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۸ (ج ۱۳).
۷. همو، صحیفه ی نور، ج ۱-۲۲، تهران، مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۷ ش.
۸. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵.
۹. تقی لو، فرامرزی و علی آدهی، امنیت و پیش‌ارزش‌های آن در اندیشه ی سیاسی اسلام، تهران، فصل‌نامه ی مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، ش ۴، زمستان ۱۳۸۹، شماره مسلسل ۵۰.
۱۰. آشوری، داریوش، دانش‌نامه ی سیاسی، تهران، نشر مروارید، ج ۱۶، ۱۳۸۷ ش.
۱۱. دانشیار، علیرضا، روابط بین‌الملل دولت اسلامی از منظر امام خمینی رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، قم، انتشارات المصطفی، ۱۳۹۵.
۱۲. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، ۱۳۸۵ ش.
۱۳. ره‌پیک، سیامک، منابع و شیوه‌های تأمین امنیت در اندیشه ی امام خمینی رحمته الله علیه، فصل‌نامه ی مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، ش ۳، پاییز ۱۳۸۹، شماره مسلسل ۴۹.
۱۴. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه ی تفسیر المیزان، ۲۰ جلد، جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم، دفتر انتشارات اسلامی، ایران، قم، ج ۵، ۱۳۷۴ ش.
۱۵. حمزه‌پور، علی، راهبردهای امنیتی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ی اسلامی، ص ۶۱، ۱۳۹۰ ش.
۱۶. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی (حقوق بین‌الملل اسلام)، ج ۳، تهران، مؤسسه ی انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷ ش.
۱۷. لکزایی، نجف، فلسفه ی امنیت از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه، تهران، فصل‌نامه ی مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، ش ۳، پاییز ۱۳۸۹، شماره مسلسل ۴۹.
۱۸. گریفیتس، مارتین، دانش‌نامه ی روابط بین‌الملل و سیاست جهان، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: نشر نی، ۱۳۸۸ ش.
۱۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی، نشر سرایش، ۱۳۸۰ ش.
۲۰. نویدنیا، منیژه، چنگ‌گانی امنیت: امنیت ملی، عمومی و امنیت اجتماعی، تهران، نشریه ی معاونت اجتماعی ناجا، فصل‌نامه ی مطالعات امنیت اجتماعی، ش ۲ و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۸۴.
۲۱. نامه ی ۱۳۹۴/۰۹/۰۸ رهبر انقلاب اسلامی ایران (مدظله العالی) به جوانان کشورهای غربی.
۲۲. نرم‌افزار حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله العالی) (از سری نرم‌افزارهای مجموعه ی نور) تهران، مؤسسه ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، بی تا.
۲۳. نرم‌افزار مجموعه آثار امام خمینی رحمته الله علیه، (از سری نرم‌افزارهای مجموعه ی نور) تهران، مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، بی تا.

